

کیوان زندگري

وحید جعفری کاریکاتوريست جوان چهره

کاریکاتور چهره؛

دنیای ایده‌ها و اغراق‌ها



وحید جعفری کاریکاتوريست جوان و میهمان این هفته ما متولد اول فروردین‌ماه ۱۳۶۶ در شهر اراک است که تحصیلاتش را در هنرستان شهید آوینی شهر اراک در رشته گرافیک به پایان برده و مدرک کارشناسی گرافیک را هم از دانشگاه سوره در تهران دریافت کرده است. به خاطر علاقه زیادش بیشتر به کاریکاتور چهره پرداخته و با آثار زیادی در زمینه کاریکاتور چهره در جشنواره‌های خارجی شرکت کرده و تا به امروز چندین جایزه معتبر بین‌المللی را در کارنامه خود ثبت کرده است. آن طور که خودش می‌گوید به خاطر وسواس زیاد در ارائه آثار فاخر تاکنون تنها موفق به برگزاری یک نمایشگاه از آثارش در شهر اراک شده ولی امیدوار است در آینده نزدیک بتواند نمایشگاهی از آثارش را در تهران هم برپا کند.

— — —

— از چه زمانی به کشیدن کاریکاتور پرداختید و چطور ادامه پیدا کرد؟
این علاقه را از دوران کودکی‌ام نشان دادم. با حمایت پدر و مادرم، خط‌خطی‌هایم ادامه یافت تا وارد مدرسه شدم. خاترم هست که در دوران دبستان بسیار دوست داشتم که از معلم‌ام طراحی کنم و اتفاقاً به خاطر اصرار من در این کار خیلی هم کسک‌خوردم

— بر خورد معلم‌ان در مواجهه با کارهای شما دقیقاً چگونه بود؟

از این‌ موضوع دو خاطره متفاوت دارم؛ اولی مربوط به معلم خانمی بود که در آن زمان باردار هم بود. یک بار از ایشان یک نقاشی کشیدم. زمانی که متوجه کارم شد به ستمم آمد که تنبیهم کند ولی بعد از دیدن کارم از تصمیمش منصرف شد و به جای آن من را تشویق هم کرد. ولی از دوره هنرستان هم خاطره‌ای دارم که البته این تجربه خیلی برایم گران تمام شد. در کلاس درس شیمی استادی داشتم که اصلاً مویی روی سرشان نبود. وقتی ایشان را کشیدم و کار را دیدند کلی من را تنبیه کردند.

— انگیزه‌های شما برای ادامه این راه چه بود؟

دیدن آثار دیگران و شنیدن یکسری نصیحت و آموزش‌های تخصصی به من کمک بسیاری کرد. زمانی که به مقطع هنرستان رسیدم آثار هنرمندان زیادی را دیده بودم و دنبال می‌کردم؛ آقایان رحمتی، حسین‌پور و دوستان دیگری که در آن زمان از طراحان پرکار بودند. در عین حال اتفاق دیگری هم افتاد که در زندگی من یک نقطه عطف بود و آن هم آشنایی‌ام با آقای یاشار قهرمانی بود که یکی از کاریکاتوريست‌های خوب چهره بود. در آن دوره من در اراک زندگی می‌کردم و متأسفانه این آشنایی بیشتر از یک ماه طول نکشید چرا که پس از آن به اتفاق خانواده‌ام به تهران آمدم. اما در همین زمان کوتاه این آشنایی و همکاری بسیار در زندگی و کارم تاثیر مثبتی داشت. اگر چه بعدها بین ما کدورتی هم اتفاق افتاد و باعث قطع دوستی و همکاری‌مان شد ولی هر زمان که خاطرات آن روزها را مرور می‌کنم این آشنایی را بهترین و باارزش‌ترین دوره‌زندگی‌ام می‌بینم.

— چه سبک و سباقی را بیشتر در کارهایتان دنبال کرده‌اید؟

تقریباً در سبک‌های مختلف تجربیاتی داشتم. تجربه کار نمایشگاهی را از این بابت



دوست داشتم که آثارم را از لحاظ هنری به حدی برسانم که ارزش شرکت و حضور در نمایشگاه را داشته باشد. مدتی هم به شکل حضوری کاریکاتور چهره را تجربه کردم که برای من مانند یک سکوی پرش بود. تجربه‌های خوبی از این طریق کسب کردم. در کاریکاتور چهره افراد مختلفی را با چهره‌ها و اغراق‌های متفاوت می‌بینید که باید در زمانی کوتاه شباهت‌ها را بسازید و در عین حال مراقب باشید مخاطب‌تان هم از کارتان راضی باشد. خصوصاً در مورد خانم‌ها همیشه سعی می‌کردم که زیاد اغراق نکنم چراکه ممکن بود از کار من خوش‌شان نیاید و حتی کار به دعوا هم بکشد؛ زمانی که برای اولین بار کاریکاتور چهره را به شکل حضوری تجربه کردم با اعتماد به نفس بالایی کارم را انجام دادم که خوشبختانه خیلی هم جواب داد. این تجربه خاص روی قدرت طراحی و شباهت‌سازی‌ام تاثیر گذاشت و سرعت کارم را هم بالا برد.
— به کاریکاتور چهره به عنوان یک شغل نگاه می‌کنید یا یک علاقه؟
اوایل که این کار را شروع کردم با این نگاه بود که قدرت طراحی‌ام را افزایش دهم ولی کم‌کم حالت سفارشی به خود گرفت و کارهایی را برای موسسات و ارگان‌های مختلف انجام دادم و با سفارشی‌کی که این اواخر از شرکت‌های بزرگ بین‌المللی داشتم اکنون بیشتر جنبه اقتصادی و تبلیغاتی پیدا کرده است.

— مهم‌ترین موفقیتی که تا به امروز در زمینه کاریکاتور چهره کسب کردید چه بوده؟

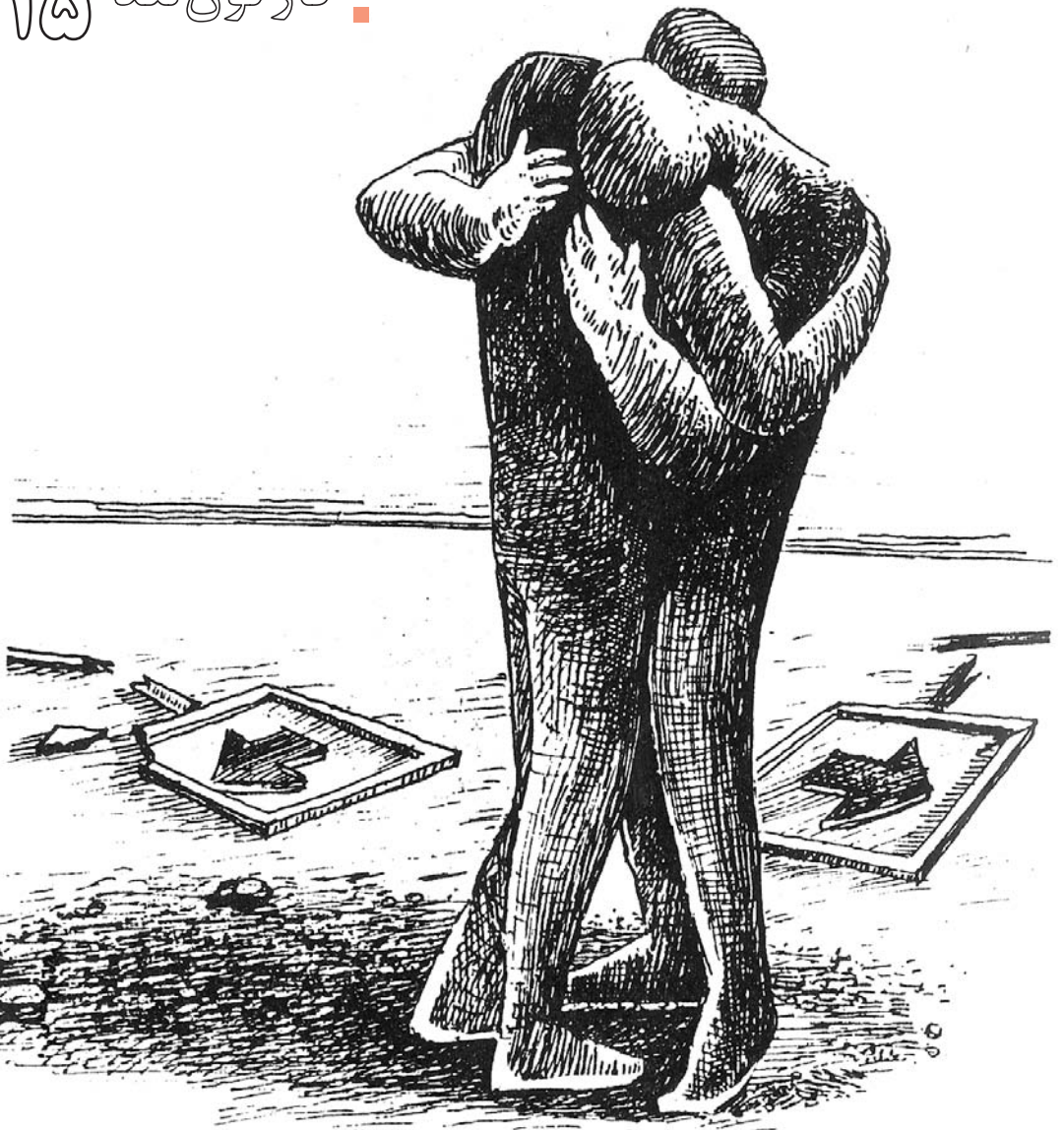
کاری را برای یک جشنواره در هند آماده کردم که برای ایده آن خیلی هم وقت گذاشتم. خیلی برای من مهم بود که ببینم به ایده من در آن مسابقه چقدر توجه می‌شود. به فاصله کوتاهی که این کار را برایشان فرستادم یک‌ای‌میل از برگزارکننده دریافت کردم که از من خواسته بود طرحی دیگر را با حضور خانم گاندی برایشان بفرستم. من هم بلافاصله کار دیگری را برایشان فرستادم و با فاصله کمی برای من پیام فرستادند که موفق به کسب مقام شده‌ام. این کار از این جهت برای من بالارزش بود که توانسته بودم در زمان کوتاهی به این موفقیت برسم. البته چندی قبل در جشنواره دیگری هم که در کشور برزیل برگزار شد موفق شدم که مقام سوم این رقابت را کسب کنم.

— با هنرهای دیگر غیر از کاریکاتور چه میانه‌ای دارید؟

به موسیقی علاقه زیادی دارم و در بین هنرمندان هم به استاد شجریان علاقه خاصی دارم.

— و سخن آخر؟

موفقیت‌هایم را از دوران کودکی تا به حال به خاطر حمایت‌های پدر و مادرم می‌دانم. و پیشرفت‌هایم در این یک سال اخیر را هم مرهون همراهی همسر می‌دانم که همواره کارهایم را برای بهتر شدن نقد می‌کند. جا دارد در این فرصت از این عزیزان به خاطر تمام محبت‌هایشان تقدیر و تشکر کنم.



کارتون: حسن کریم‌زاده



کارتون: حسن کریم‌زاده

آسیب‌شناسی کاریکاتور ایران پس از خرداد ۱۳۷۶

ده+سه سال کاریکاتور



◀ هادی حیدری

در روزنامه‌های هر هفته می‌پردازتم. تعداد کاریکاتورهای منتشره در هفته به اندازه‌ای بود که انتخاب را برایم مشکل می‌کرد.

کارتونیست‌ها نیز در موج به وجودآمده پس از دوم خرداد، به اشتباه تصور می‌کردند که تمام حرف‌های ناگفته‌شان را باید یک‌شبه و در قالب کاریکاتور منتشر سازند و در غیر این صورت زمان را از دست خواهند داد و گمان می‌کردند تمامی کاستی‌ها باید به سرعت برطرف شود.

سه نشریه‌ای که از پیش از دوم خرداد منتشر می‌شد و در سال‌های پس از ۱۳۷۶ نیز منتشر می‌شد هر کدام عاقبتی یافتند. نشریه «کیهان کاریکاتور»، متعلق به موسسه کیهان که بیشتر تخصصی و به دور از جهت‌گیری‌های خاص بود، به تکرار و عدم انتشار منظم افتاد.

ماهنامه «طنز و کاریکاتور» که همچنان نیز منتشر می‌شود، با سستی و در بدترین شرایط اقتصادی، از ارائه آثار موثر در حوزه کاریکاتور دور ماند و هفته‌نامه «گل‌آقا» که به مدد دوراندیشی مدیرمسوول خود، با چراغ خاموش به حیات خود ادامه می‌داد، تن به توقف خودخواسته انتشار داد.

کاریکاتوريست‌های خانه به دوش دیگر نمی‌توانستند از طریق کاریکاتور امرار معاش کنند، لذا بسیاری، عطای کاریکاتور را به لقایش بخشیدند، عده‌ای گوشه عزلت گزیدند، برخی مهاجرت کردند و برای بسیاری، کاریکاتور به

عنوان شغل دوم یا سوم درآمد. اما در تمام این دوران، جای خالی وجود یک انجمن صنفی کاریکاتور به شدت مشهود بود؛ انجمنی که با وجود اجرایی شدن مراحل ابتدایی آن، به عقیده من با سنگ‌اندازی برخی افراد که با تاسیس این انجمن، مدیریت جریان کاریکاتور را از دست خویش خارج‌شده می‌دیدند، به سرانجام نرسید. انجمنی که در

نکته

آنچه امروز می‌توان به عنوان نمایی کلی از وضعیت کاریکاتور تصویر کرد، حالتی میان‌نگرانی و امیدواری است. امیدواری است که کاریکاتور توانسته است به عنوان موضوعی تاثیرگذار و رسانه‌ای مهم برای اثرگذاری روی افکار مخاطبان، خود را ثابت کند و این به مدد تلاش‌های زیادی است که خصوصاً در یک دهه اخیر توسط کارتونیست‌های ایرانی صورت گرفته است. این باعث امیدواری است.

آن دوران می‌توانست حقوق معنوی و مادی کاریکاتوريست‌های بیکار شده و خانه به دوش را تأمین کند. انجمنی که امروز و در دوران افول کاریکاتور مطبوعاتی، دیگر محلی از اعراب ندارد.

رونق کاریکاتور در سال‌های آغازین ۱۳۷۶،

موج نویی از کاریکاتوريست‌های جوان و صاحب ذوق را به سمت کاریکاتور کشاند. این سیل روزافزون کاریکاتوريست‌ها، با درهای بسته مطبوعات روبه‌رو می‌شد. از سویی روند تعدد نشریات، سیر نزولی یافته بود و از طرفی صاحبان مطبوعات، کاریکاتور را هنری دردرساز می‌دیدند که حتی می‌تواند بقای نشریه‌شان را به مخاطره افکند.

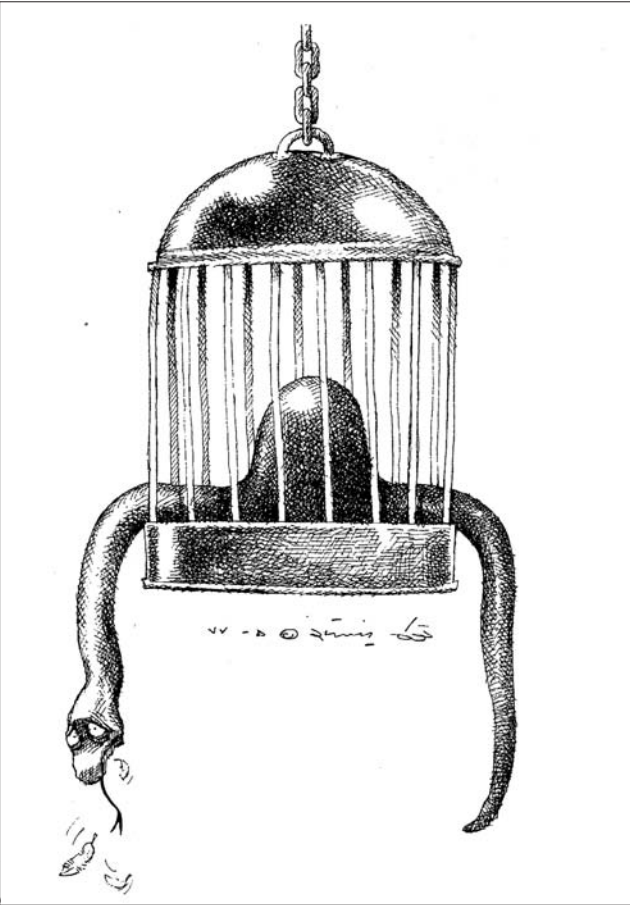
از این رو راه برای رو آوردن کارتونیست‌ها به سوی نمایشگاه‌ها و فستیوال‌های کاریکاتور باز می‌شد. این اتفاق از جهتی مبارک بود؛ چرا که کاریکاتور ایران را در سطح جهان مطرح می‌کرد و حضور کم‌سابقه کاریکاتوريست‌های ایرانی در جشنواره‌ها چشم هنرمندان خارجی را خیره کرده بود.

اما از نگاهی دیگر، کاریکاتور در حال دور افتادن از بستر اصلی رشد خود، یعنی مطبوعات مستقل بود.

گرایش به کاریکاتور که در دهه اخیر به یک تب مزمن در مطبوعات تبدیل شده بود، اینک در حال سرایت به جشنواره‌ها بود.

واقعه‌ای که باعث رشد کاریکاتوريست‌های صرفاً جشنواره‌ای می‌شد که تمام توجه و هدفشان، درو کردن جوایز جشنواره‌ها به هر قیمت و راهی بود.

این اتفاق، سبب رشد روحیه بازاری در میان کاریکاتوريست‌های جشنواره‌ای شد و آنان را به ورطه تقلید و کپی کردن از آثار دیگر کاریکاتوريست‌ها کشاند.



کارتون: بزرگمهر حسین‌پور



اگر مطبوعات را رکن چهارم دموکراسی بدانیم، کاریکاتور که در دامن مطبوعات بالیده است، از موثرترین بازوهای تحقق کارکرد آن خواهد بود.

بدون اغراق می‌توان کاریکاتور را به تنهایی یک رسانه دانست، چرا که ویژگی‌های یک رسانه را برای انتقال پیام و تاثیرگذاری داراست. در ساختار یک جامعه مدنی پیشرو، مطبوعات و رسانه‌ها به عنوان چشمان تیزبین و آگاه برای نظارت بر دستگاه‌های اجرایی و نهادهای حکومتی عمل می‌کنند. نقد هوشمندانه و افزایش آگاهی جامعه در شناخت کاستی‌های احتمالی حکومت‌ها، از اصول جدایی‌ناپذیر یک رسانه پویاست.

بر همین اساس بالندگی کاریکاتور موجب رشد سیستمی در جامعه می‌شود که می‌توان از آن به عنوان سیستم «خودکنترلی» برای دولت‌ها و حکومت‌ها نام برد.

در ایران هرگاه حمایت از رسانه‌ها و مطبوعات بیشتر بوده، شاهد رشد و اوج‌گیری کاریکاتور مطبوعاتی هم بوده‌ایم.

از این ادوار می‌توان به چند برهه شاخص اشاره کرد:

۱- روی کار آمدن دولت ملی دکتر مصدق (سال ۱۳۳۰)

۲- دوران آزادی نسبی اواخر دهه ۴۰ و نیز سال‌های ۵۶ و ۵۷ پیش از پیروزی انقلاب
۳- سال‌های ۵۸ و ۵۹ و پیش از آغاز جنگ
۴- سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۱
۵- سال ۱۳۷۶ و همزمان با دوم خرداد تا سه سال پس از آن

با انتشار روزنامه «جامعه»، کاریکاتور با فضایی متفاوت از گذشته و در قالب ستونی ثابت در این روزنامه جا خوش کرد و دوران تازم‌ای از حیات کاریکاتور مطبوعاتی را رقم زد. هرچند کاریکاتورهای منتشرشده در روزنامه جامعه، بیشتر حال و هوایی روشنفکری داشت اما راه تازم‌ای را پیش پای مدیران روزنامه‌های دیگر گشود تا جایی که پس از آن کمتر روزنامه‌ای آغاز به انتشار می‌کرد که ستون ثابت کاریکاتور در خود نداشته باشد. این واقعه به یک تب مطبوعاتی تبدیل شد.

هرقدر نیش قلم روزنامه‌نگاران در نقد شرایط موجود بیشتر می‌شد، کاریکاتوريست‌ها هم اوضاع را به ظاهر مناسب می‌دیدند و تندترین کارتون‌های مطبوعاتی را خلق می‌کردند غافل از اینکه این شتاب‌زدگی و هیجان فروکش خواهد کرد و آنان به حاشیه بازخواهند گشت.

به خوبی یادم هست که در سال‌های ۷۸ و ۷۹ صفحه‌ای را در روزنامه «مشارکت» به شکل هفتگی می‌نوشتم که در آن به تجزیه و تحلیل یکی از کاریکاتورهای منتشرشده